



چگونگی و حدود ارتباط سالم بین

دختر و پسر قبل از ازدواج

علی اصغر احمدی

انسان هنگامی که دست به انجام عملی می‌زند این عمل به تناسب خصوصیات و سطح تحولی شخصیت او از فردی به فرد دیگر تفاوت می‌کند. ما باید از خود پرسیم چرا انسانهای گوناگون دارای رفتارهای متفاوتی نسبت به یکدیگر هستند؟ برای پاسخ گفتن به

رفتارهای انسان از جمله رفتارهای اجتماعی او تابعی از سه عامل مهم به شرح زیر است:

- الف - سطح تحول شخصیت
- ب - سطح تحول هوش
- ج - ارزشهای فرهنگی

این مثلث که به توسط روان‌شناسی به نام "آبراهام مزلو" پیشنهاد شده است، تحول نیازهای انسان را نشان می‌دهد. در این مثلث هر قدر به قاعده نزدیک شویم، دامنه نیازها گستردگی بیشتری را از خود نشان می‌دهد و هر قدر به طرف رأس مثلث نزدیک گردیم، این گستردگی کمتر می‌شود. این نکته نشانگر آن است که نیازهای سطح پایین در شمار زیادتری از انسانها مشاهده می‌شود و نیازهای سطح بالاتر به ترتیب و بتدریج رو به کاهش می‌گذارد و این بدان معنی است که عده افرادی که نیازهای سطح بالاتر را از خود نشان می‌دهند بتدریج رو به کاهش می‌گذارد، به طوری که نیاز به خود شکوفایی که عالی‌ترین نیاز انسانی است در شمار کمی از انسانها به منصفه ظهور می‌رسد. در اینجا برای اینکه خط تحولی شخصیت انسانها را بر اساس این نیازها به شکلی خلاصه‌تر توضیح داده باشیم، این نیازها را به ترتیب از قسمت پایین مثلث به نیازهای بدنی، نیازهای اجتماعی و نیازهای فردی تقسیم کرده‌ایم. هر انسانی ممکن است در مسیر تحول شخصیت خود در یکی از این سه طبقه قرار گرفته باشد. اینک به توضیح مختصر هر یک از این سه طبقه می‌پردازیم.

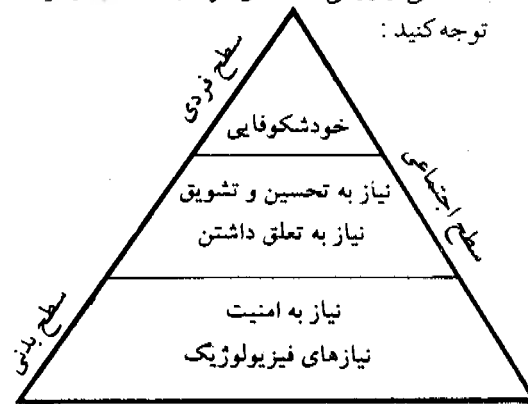
۱ - سطح نیازهای بدنی:

این سطح که شامل نیازهای فیزیولوژیک مانند نیاز به آب، نیاز به غذا، نیاز به جفت، نیاز به دمای مناسب و غیره است، دارای ریشه‌های بدنی است. علاوه بر نیازهای فیزیولوژیک بخشی از نیاز به امنیت نیز جزء نیازهای بدنی ما به شمار می‌آید. یعنی نیاز به حفظ و حراست

چنین سؤالی باید شخصیت انسانها از جوانب مختلف مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. رفتار اجتماعی ما از جمله نحوه برخورد و ارتباط ما با جنس مخالف نیز تابعی از خصوصیات روانی و شخصیتی ماست. در این قسمت پیش از آنکه چگونگی و حدود ارتباط سالم بین دختر و پسر را قبل از ازدواج مورد بررسی قرار دهیم، لازم است به عوامل تعیین کننده این رفتار اشاره‌ای داشته باشیم. به این ترتیب ابتدا به شکلی گذرا به شرح هر یک از عوامل سه گانه بالا می‌پردازیم:

الف - سطح تحول شخصیت:

شخصیت هر انسان عبارت است از کلیت و تمامیت وحدت یافته وجود او. اینکه شخصیت یک انسان چگونه تحول پیدا می‌کند و از چه مراحل طی می‌گذرد، دارای بحثی مفصل و طولانی است. لکن در اینجا به دو نوع تحول شخصیت اشاره می‌کنیم که ضمن آن بتوانیم خط سیر تحول رفتارهای انسان را تا حدودی جست‌وجو کنیم. اولین خط سیر تحول شخصیت را می‌توان بر اساس تحول نیازهای جسمانی و روانی مشخص کرد. به مثلث زیر توجه کنید:



باشد. همچنین مایل است به گونه‌ای رفتار کند که تحسین و تشویق دیگران را برانگیزد. کسی که به لحاظ شخصیتی به سطح نیازهای اجتماعی رسیده‌است در صدد حفظ حیثیت و جایگاه اجتماعی خود است و مهمترین عامل برای او حفظ این جایگاه است. چنین فردی هرچند که دارای نیازهای سطح پایین خود نیز هست، لکن آن نیازها برای او در درجه اول اهمیت قرار نمی‌گیرند. این فرد در ارتباط با جنس مخالف در صدد است تا رفتارهای جامعه‌پسند و مبتنی بر نیازهای اجتماعی از خود نشان دهد. این فرد تلاش می‌کند در ارتباط با جنس مخالف دارای رفتارهایی باشد که از طرفی برای او جایگاهی در نزد دیگران تدارک ببیند و از سوی دیگر تحسین و تشویق آنان را نیز به دنبال داشته باشد.

۳- نیازهای فردی :

مهمترین نیاز فردی در مثلث مزلو عبارت است از نیاز به خود شکوفایی. فردی که به این سطح از نیاز می‌رسد می‌خواهد استعدادها، قابلیت‌ها و ارزشهای خود را به منصه ظهور برساند. چنین نیازی به رغم وجود نیازهای سطح پایین یعنی نیازهای بدنی و اجتماعی برای چنین فردی در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. این فرد می‌خواهد به رشد و کمال لایق خود برسد، هرچند دیگران او را مورد سرزنش و ملامت قرار دهند. البته افراد نادری می‌توانند به این سطح از تحول دست بیابند. در تعلیم و تربیت اسلامی نیز هدف، ساختن انسانی است که از سطوح پایین نیازها رها شده و به سطوح عالی دست بیابد. فردی که به این سطح

بدن. ممکن است انسانی به لحاظ شخصیتی در این سطح تثبیت شده و یا اینکه مهمترین نیازهای او در این سطح قرار گرفته باشد. در این صورت رفتارهای چنین انسانی با دیگران، بیشتر تابع این نوع از نیازهاست. مثلاً از اینکه دیگران او را به شکل مادی تشویق کنند و یا وی را به نوعی به رضایت جسمانی برسانند، چنین فردی نسبت به منابع ارضاء کننده جسمانی گرایش پیدا می‌کند. چنین فردی به لحاظ ارتباط با جنس مخالف نیز تنها به نیازهای بدنی از جمله نیاز جنسی می‌اندیشد و تعیین کننده رفتار او با جنس مخالف همین عوامل خواهد بود. این سطح از رفتار بیشتر در میان افراد سطح پایین اجتماع و افراد تربیت نیافته دیده می‌شود. زنان و مردانی که در این سطح تثبیت شده‌اند تنها از این زاویه به جنس مخالف می‌نگرند و با او رفتار می‌کنند.

۲- نیازهای اجتماعی :

کسانی که به این سطح از تحول رسیده‌اند بیشتر در صدد تأمین نیازهای اجتماعی خود هستند. در این سطح نیازهایی چون امنیت روانی، نیاز به تعلق داشتن به دیگران و نیاز به تحسین و تشویق قرار می‌گیرد. انسانی که از سطح نیازهای بدنی خارج شده و به سطح نیازهای اجتماعی رسیده‌است در رفتارهای خود بطور عمده در صدد رفع نیازهایی است که از طریق ارتباط انسانی با دیگران قابل مرتفع شدن است. مثلاً در صدد است که به کسانی تعلق داشته باشد و کسانی به او متعلق باشند. می‌خواهد طوری رفتار کند که کسانی چشم انتظار او باشند و او چشم انتظار کسانی دیگر

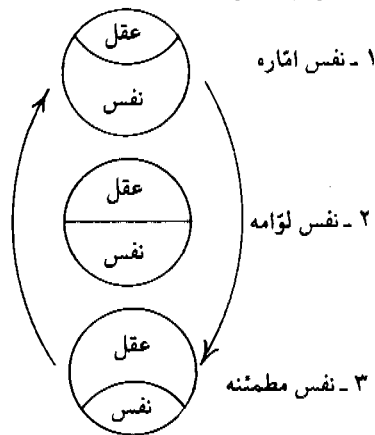
در اینجا به سه سطح از تحول شخصیت تحت عنوان نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئنه برمی‌خوریم. در سطح اول یعنی سطح نفس اماره، عقل در کمال ضعف خود قرار گرفته است و هوی یا امیال در حدّ شدت و قوت خود قرار دارد. کسی که شخصیتش در این سطح قرار می‌گیرد، تعیین‌کننده رفتارهای او امیال وی هستند و چنین فردی تنها برای کسب لذت و پیا فرار از درد و رنج دست به عمل می‌زند، هرچند که این عمل به لحاظ عقلانی غلط و نادرست باشد. چنین فردی تشخیص‌های خود را به نفع امیال خود تغییر می‌دهد. او تنها درصدد رسیدن به لذت و دوری از رنج است. در این سطح نحوه ارتباط اجتماعی ما از جمله ارتباط با جنس مخالف تنها بر محور لذت‌طلبی استوار است. اگر فردی برای ما منشاء لذت باشد او را می‌پذیریم و به طرف وی کشیده می‌شویم، ولی از کسی که چنین خاصیتی برای ما ندارد، دوری می‌کنیم.

سطح دوم، یعنی سطح نفس لوامه نشانگر رشد نسبی عقل است. نفس لوامه یعنی نفس سرزنشگر. در این سطح انسان ممکن است گاه بر اساس تشخیص عقلانی عمل کند و گاه بر اساس امیال. ولی وقتی میلی را ارضاء می‌کند که برخلاف قاعده عقلانی است، عقل او را مورد سرزنش قرار می‌دهد. کسی که به لحاظ شخصیتی به این سطح از تحول رسیده است، گاه بر اساس امیال با دیگران رفتار می‌کند و گاه بر اساس استدلال عقلانی. کسانی که در رابطه با جنس مخالف گاه دست به ارضای امیال می‌زنند و گاه از عقل تبعیت می‌کنند، احتمالاً در این دسته جای می‌گیرند.

سطح سوم در این دیدگاه، سطح نفس

از تحول شخصیت می‌رسد، به جنس مخالف به مثابه یک انسان مکمل، یک روح تعالی بخش و یک روح آرامش بخش می‌نگرد. در حقیقت آیه مشهور قرآنی که می‌فرماید: و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة، ناظر بر چنین سطحی از تحول است. انسان هنگامی که از سطوح پایین‌تر به سطوح عالی‌تر می‌رسد، همسر برای وی مایه مودت و رحمت می‌شود و نگاه کردن به او و ارتباط با او، همه تکامل بخش و تعالی بخش انسان است.

در این قسمت شخصیت را از دیدگاهی دیگر نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم. این دیدگاه، مورد تأکید فرهنگ اسلامی است و آن مبتنی بر تحول شخصیت به اعتبار حق و هوای نفس می‌باشد. در دیدگاه اسلامی تعیین‌کننده رفتارهای فرد می‌تواند عقل یا امیال او باشد. امیال در اصطلاح قرآنی تحت عنوان هوی و یا هوای نفس نامیده می‌شود. انسان به اعتبار اینکه در تحول شخصیت او عقل و هوای نفس به چه سطحی از تحول رسیده باشند می‌تواند به شخصیت‌های متفاوتی دست یابد. به تصویر زیر توجه فرمایید:



۱- نفس اماره

۲- نفس لوامه

۳- نفس مطمئنه

مطمئن است. کسی که به این سطح از تحول می‌رسد، تعیین‌کننده رفتارهای او عقل اوست و امیال و هواهای وی در کمال ضعف قرار گرفته‌اند. لازم به توضیح است که این ضعف نشانگر ضعف میل نیست، بلکه نشانگر تسلط کامل عقل بر میل است. رفتارهای کسی که به این سطح از تحول شخصیت می‌رسد، دقیقاً به توسط دلایل مشروع هدایت می‌شوند.

ب - سطح تحول هوشی :

یکی دیگر از عواملی که در تعیین نوع رفتار ما با دیگران مؤثر است، سطح تحول هوشی ماست. این سطح تحول را می‌توانیم به دو صورت نشان دهیم. اول به صورت تحول مراحل مختلف رشد هوش. هوش انسان بطور کلی از سه دوره مهم می‌گذرد.

دوره اول که به دوره حسی و حرکتی معروف است، بطور معمول در فاصله سنی تولد تا دو سالگی تحول پیدا می‌کند. در این دوره، منطقی فراتر از آنچه که حواس انسان درک می‌کند و آنچه حرکات کودک در دسترس او قرار می‌دهد، بر ذهن کودک حاکم نیست.

دوره دوم که در فاصله سنی سه تا یازده سالگی ادامه پیدا می‌کند اصطلاحاً دوره منطقی عینی نامیده می‌شود. در این دوره ذهن کودک می‌تواند فراتر از آنچه که می‌بیند، ادراکی داشته باشد و به نوعی دست به استدلال بزند و لکن این نوع استدلال تنها در حضور اشیاء امکان پذیر است.

انتزاعی است. در این دوره ذهن به توانایی درک فراتر از پدیده‌های عینی دست می‌یابد. به این ترتیب انسانی که ذهنش متحول شده و آخرین دوره تحول هوش را نیز پشت سر گذاشته باشد می‌تواند در سطحی بالاتر با دیگران در تماس و ارتباط باشد. چنین فردی مفاهیمی مانند عدالت، حق، حقوق، انسانیت و امثال اینها را بخوبی درک می‌کند. ولی فردی که به رغم رسیدن به سنین بالاتر، به لحاظ هوشی در سطوح پایین‌تر قرار می‌گیرد نمی‌تواند چنین مفاهیمی را بخوبی درک کند. چنین فردی در ارتباط با انسانهای دیگر از آن جمله در ارتباط با جنس مخالف تنها به ظاهر می‌تواند اکتفا کند و قادر نیست از شواهد امروز وقایع فردا یا رویدادهای آینده را پیش‌بینی نماید. ما می‌توانیم سطح هوش را به صورت دیگری نیز نمایش دهیم و آن نشان دادن بهره هوشی یک فرد است. بهره هوشی را با نمره‌ای به نام IQ نشان می‌دهند. نمره متوسط برای بهره هوشی معادل ۱۰۰ می‌باشد. انسانها هر قدر از نمره ۱۰۰ بالاتر بروند، باهوشترند و هر قدر از این نمره به طرف پایین حرکت کنند، از هوش ضعیفتری برخوردارند. انسانهای باهوش می‌توانند رفتارهای حساب شده‌تری را با دیگران داشته باشند، اما افراد کم هوش معمولاً رفتارهای سطح پایین‌تری را با دیگران در پیش می‌گیرند.

ج - ارزشهای فرهنگی :

عامل سوم که تعیین‌کننده نحوه رفتار ما با دیگران است، مجموعه ارزشهای فرهنگی ماست. فرهنگ ما هر قدر از تعالی و برتری برخوردار باشد، رفتارهای ما با دیگران

دوره سوم که آخرین دوره تحول هوش است و از حدود دوازده سالگی تا حدود شانزده سالگی ادامه پیدا می‌کند، دوره منطقی

دوره سوم که آخرین دوره تحول هوش است و از حدود دوازده سالگی تا حدود شانزده سالگی ادامه پیدا می‌کند، دوره منطقی



او را زن دهند. اینها در حقیقت نمونه‌هایی از سطح فرهنگی انسانهای مختلف در برخورد با پدیدهٔ جنس مخالف است.

در شرایط کنونی مقایسه بین دو فرهنگ غرب و شرق نیز برای تعیین نوع رفتار با جنس

مخالف ضرورت دارد. اکنون فرهنگ غرب با بستر خاص خود ارتباط آزاد بین دختر و پسر را تجویز می‌کند. آن فرهنگ با این نگرش به جایی رسیده است که بنیان خانواده را متزلزل ساخته و خانواده اصالت خود را در آن فرهنگ از دست داده است، حال آنکه در فرهنگ شرقی - اسلامی ما خانواده از اهمیت بالا و والایی برخوردار است. بدین لحاظ برای حفظ و حراست خانواده، این فرهنگ درصدد است روابط دختر و پسر را قبل از ازدواج در حد معقول و مشروعی حفظ کند. این فرهنگ می‌خواهد دختر و پسر را تا زمان ازدواج به نوعی در زیر چتر حمایتی خود حفظ و حراست نماید. در این فرهنگ دختر و پسر برای یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند و از طریق ازدواج مشروع یک زندگی سالم و پربرار را آغاز می‌کنند.

متکاملتر و متعالی‌تر خواهد بود. انسانهایی که دارای فرهنگی مبتذل و سطح پایین هستند، معمولاً رفتارهایی ابتدایی‌تر از خود نشان می‌دهند. برای مثال کسانی که در مورد جنس مخالف تنها نوعی بهره‌کشی را در فکر می‌پروراند، نمی‌توانند به ارزشهای وجودی جنس مخالف بیندیشند. خانواده‌ای که دختر را وبال گردن خود می‌داند به داماد به چشم فردی که می‌تواند این وبال را از گردن بردارد، نگاه می‌کند و درصدد است به هر ترتیبی که شده دختر خود را به گردن کسی بیندازد. مادری که به دخترش می‌گوید باید به هر قیمتی که شده برای خود شوهری پیدا کند، دارای چنین بینش مبتذلی است و یا کسی که فکر می‌کند مشکلات مربوط به پسرش را می‌تواند از طریق زن گرفتن مرتفع کند، دارای فرهنگی سطح پایین است. امروزه برخی از خانواده‌ها وقتی با مشکل فرزند پسر خود مواجه می‌شوند فکر می‌کنند برای خلاصی از شر مشکلات پسر بهتر است